

گلشن

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

گنج جنگل های گلستان
زیر تیغ تخریب



۲

گذری بر اندیشه های
امانوئل کانت



۳

جنگ بر ریمان گسنهتی
تفریحی مذبح



۴

یادداشت اول

فقدان راهبرد

با مسوولیت سردبیر

حکمرانی یک دانش است برخاسته از بستر سیاست و سیاست آن گونه که ارسطو می گوید برترین دانش هاست، دقیقاً شبیه فیزیک، شیمی و طبابت، هر رفتار نتیجه ای دارد، همانگونه که در ریاضی دو بعلاوه دو، جز چهار نمی شود، در حکمرانی هم نمی توانید در فقدان برنامه راهبردی و تصمیم سازی های دقیق و علمی راه به جایی ببرید، نمی توان سخنان را بر مبنای همه چیز غیر از منطق و دانش به زبان آورد و در هنگام شکست، همه عالم و آدم را مقصر دانست. در حکمرانی مبتنی بر سیاست ورزی خردمندانه کلمات دقیق و حساب شده انتخاب می شوند، واژه ها بار خود را دارند و رفتارها با دقت از پیش تعیین می شوند، اگر توسعه متوازن می خواهید لاجرم باید در این ضوابط علمی و منطقی رفتار کنید و راهبردهایتان را بر آن مبنا سامان دهید، اگر می خواهید به فلان نقطه هدف برسید باید با دور اندیشی همه امور را پیش بینی و ثبت کنید و با دقت و آرامش مبتنی بر تدبیر امور را سامان دهید، دقیقاً مانند مربی فوتبالی که از تیمش پیروزی می خواهد و تیمش را در برابر حریف با آرایشی تهاجمی به میدان می فرستد، نمی شود تیمی را به میدان فرستاد که مربی آن توان شناخت بازیکنان را ندارد، دروازه بان را به جای بازیکن میانی، هافبک را به جای فوروارد با دهها اشتباه به زمین بفرستد و بعد انتظار در شکست حریف را داشته باشد در این صورت همه درک می کنند که گویا شما به عنوان یک مربی یا مدیر توان تصمیم سازی درست و علمی را ندارید و از نتایج رفتار و سخنانتان و از عاقبت تصمیم سازی هایتان اطلاع ندارید و مداوم مجبورید در تاکتیک هایتان تغییر ایجاد کنید و در نهایت هم همه عالم و آدم را مقصر بدانید جز خودتان. خوب است برخی این را مدام تکرار کنند که حکمرانی یک دانش است و باید آن را آموخت.



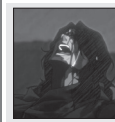
آموزش مدیریت مالی
به نوجوانان

« ۸ »



همه آنچه که باید درباره رژیم
میوه خواری بدانید

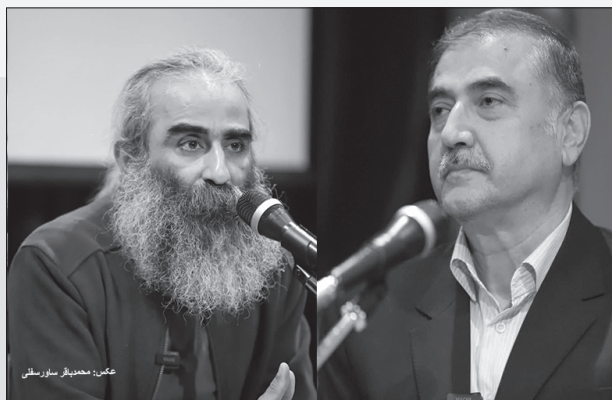
« ۷ »



شیاطین - متن اول درباره سریال
شیطان هم می گوید

« ۵ »

سکه های تاریخی استر آباد



در این حوزه در رشته های دیگری تحصیل داشته اند. آقای کپارش غلامی که در رشته شیمی دارای مدرک دکتری هستند، کتاب هزارصفحه ای «سکه های اشکانی» را تألیف و ۴ شاه اشکانی را برای نخستین بار معرفی کرده است. است. برخی از سکه ها مانند سکه شاه سلیمان صفوی به قدری زیبا هستند که انسان را مسحور خودشان می کنند. از این رو که حمل و نقل سکه ها مشکل بوده و بانکها نیز هنوز پدید نیامده بودند، سکه ها به عنوان زیورآلات یا به لباس متصل شده و به گردن آویخته می شدند. از این جهت، سوراخ هایی نیز در آن ها ایجاد می کردند. به طور مثال، نوعی از سکه به نام لارین وجود دارد که مشابه پنس موی خانمها است و زن ها، در دوره صفوی و برخی دوره های دیگر به موهایشان وصل می کردند. این موضوع سبب می شد تا اموال آن ها از دسترس رهن ها دور بماند. البته سوراخ بودن و یا دسته (دستک) داشتن سکه ها از ارزش سکه ها می کاهد. سکه ها در شناساندن نمادهای دینی و مذهبی نیز

مهران موذنی - سکه های قدیمی همواره ابزاری برای شناخت گذشته بوده اند. در هر دوره از تاریخ، حاکمان با ثبت تصاویر، شعارها و پیام های سیاسی یا مذهبی برای ترویج و حفظ ایدئولوژی شان تلاش می کردند. در یازدهمین نشست فرهنگی سرزمین مادری که در مؤسسه فرهنگی میرداماد برگزار شد، به پیشینه ضرب سکه در استرآباد و داده های تاریخی این سکه ها پرداخته شد. این نشست با نطق دکتر آرش امینی و محمود اخوان مهدوی همراه بود که هر یک یافته هایشان در این حوزه را ارائه کردند.

سکه شناسی در ایران

آرش امینی، پژوهشگر حوزه تاریخ که سخنران اصلی این نشست بود، از بی توجهی به رشته سکه شناسی در نظام آکادمیک کشور انتقاد کرد و گفت: اگرچه که تاریخ و باستان شناسی به صورت مستقیم با سکه شناسی در ارتباط است، اما سیستم دانشگاهی ما در رشته تاریخ، از مقطع کارشناسی تا دکتری هیچ واحدی در خصوص سکه شناسی وجود ندارد. البته در رشته باستان شناسی تنها ۲ واحد در دوره کارشناسی درباره سکه شناسی وجود دارد. شرایط به گونه ای است که اکثر افراد فعال و مجرب

اهمیت سکه شناسی

آرش امینی در ادامه صحبت هایش به جنبه های مختلف سکه شناسی و اهمیت آن در شناخت تاریخ پرداخت و عنوان کرد: سکه شناسی به شناخت خط های مختلف و باز کردن گره های تاریخی کمک می کند. همچنین می توانند ابزاری برای شناخت پادشاهان و حکام و نمادهای دینی و مذهبی باشند. داشتن ظرافت های هنری نیز یکی از ویژگی های سکه های تاریخی

ادامه تیر اول

ما درباره استرآباد به دوره سلجوقی باز می‌گردیم که متأسفانه با اینکه درباره بسیاری از صاحب‌منصبان این شهر در آن اطلاعات داده شده، اما چیزی از مسئولین ضرب سکه این شهر برای گفتن ندارد. از دوره صفوی منشآت نیز درباره اغلب صاحب‌منصبان استرآباد وجود دارد که آن‌ها نیز فاقد اطلاعاتی درباره مسئولین ضرب‌خانه‌های این منطقه هستند. البته در فرهنگ شفاهی گرگان خاندان معیری از نوادگان شخصی به نام محمدحسین معیر استرآبادی در دوره محمدشاه قاجار هستند. در سندی نیز از ایشان با نام معیرالدوله نام برده شده است. همچنین در منابع زمان فتحعلی‌شاه به شخصی به نام استاد حسنعلی سکاکی، پسر کرالی ری رجعیلی سکاکی در استرآباد اشاره شده که به عنوان استادکار به ضرب سکه اشتغال داشت.

روایات تاریخی سکه‌ها

آرش امینی در ادامه، برخی از یافته‌های تاریخی استرآباد که حاصل اطلاعات سکه‌ها هستند را عنوان کرد و افزود: اولین سکه استرآباد در سال ۳۰۷ در زمان نصر بن احمد سامانی ضرب شده است. همچنین در سکه‌هایی که نام وشمگیر در آن‌ها ذکر شده، نشان می‌دهد که بین سال‌های ۳۵۷ تا ۳۷۷ که ظهیرالدوله بیستون بن وشمگیر حکومت می‌کرده، سکه‌هایی در این منطقه با نام استرآباد ضرب می‌شده است. همچنین نام طابع در این سکه‌ها به ما می‌گویند که این حاکمان تحت سلطه سلسله عباسی بودند. با به قدرت رسیدن سلسله صفوی، ازبک‌ها نیز در قسمت‌های شمال شرقی ایران شروع به پیشروی کردند. شیبک خان شیبانی که سردمدار ازبک‌ها بود و زمانی با شاه اسماعیل هم وارد جنگ شد، قدم به قدم با گرفتن بخارا، بلخ و هرات به استرآباد نزدیک شد. در نهایت ازبک‌ها در سال ۹۱۴ استرآباد را فتح می‌کنند. از ویژگی‌های سکه‌های ازبک‌ها واژه «شیرمرد» است که در سکه‌هایی از استرآباد با تاریخ ۹۱۴ نیز وجود دارد. اگرچه که شاه اسماعیل شیبک را در سال ۹۱۶ شکست داد، اما سکه‌های با واژه شیرمرد و نام استرآباد و تاریخ همان سال وجود دارد که نشان می‌دهد آن زمان اسماعیل هنوز به استرآباد نرسیده بود. همچنین یک سکه مسی ساییده‌شده مربوط به سال ۹۱۷، یعنی پس از پیروزی شاه اسماعیل وجود دارد که در آن واژه «دارالفتح» برای استرآباد به کار رفته است. این در حالی است که استرآباد به «دارالمؤمنین» معروف بود. این نشان می‌دهد که صفویان از فتح استرآباد بسیار خرسند بودند.

از این رو، سکه‌های تصویری سالم محمدعلی شاه بسیار کمیاب هستند. سکه‌ها همچنین مشخص‌کننده محدوده‌های مرزی و دست‌به‌دست شدن شهرها هستند. سکه‌های عثمانی ضرب تبریز و تغلیس نشان می‌دهند که عثمانی‌ها زمانی این دو شهر را در اختیار داشتند. این موضوع درباره سکه‌های شیبانی ضرب استرآباد و سکه‌های درانی ضرب مشهد نیز صادق است. به طور کلی، دو عامل سبب می‌شوند تا سکه‌ها سندیت تاریخی داشته باشند. یکی محل ضرب و دیگری تاریخ ضرب است. سکه‌هایی که این دو مورد را ندارند، از سندیت کم‌تری برخوردارند.

ضراب‌ها و ضراب‌خانه‌های استرآباد

محمود اخوان مهدوی، پژوهشگر تاریخ و فرهنگ با ارائه مستندات از تاریخ استرآباد، ضراب‌ها و ضراب‌خانه‌های آن را زیر ذره‌بین برد. وی در این باره گفت: برهه‌هایی از تاریخ استرآباد برای ما بسیار مبهم است و جز نوشته‌هایی کلی، چیزی در دسترس ما نیست. اگرچه که استرآباد منطقه‌ای مهم و حاصلخیز بوده و در مسیر تجاری بین خراسان تا آذربایجان قرار داشته، اما به دلیل ناامنی‌های آن، بیش‌تر به جنبه‌های سیاسی و امنیتی‌اش پرداخته می‌شد. اگر به ضرب سکه‌ها در استرآباد اشاره‌ای هم شده باشد نیز اغلب در زمان فتح این شهر به دست پادشاهان مختلف بوده است. شهر استرآباد از قرون اولیه اسلامی دارای دارالحکومه بوده که ضراب‌خانه‌ها در آن واقع شده بودند. مستندات از دوره تیموری در دسترس داریم که دارالحکومه استرآباد در محله نعل‌بندان بزرگ مستقر بوده است. همچنین در دوره صفوی مجموعه دارالحکومه در محدوده پارک شهر فعلی و کاخ آغا محمد خان شکل می‌گیرد که آن نیز در محدوده محله نعل‌بندان بزرگ واقع شده بود. البته تا کنون در متون تاریخی اطلاعات دقیقی درباره ضراب‌خانه استرآباد به دست نیامده است. هرچند که قطعا اسنادی وجود داشته است. قدیمی‌ترین اسناد



ضرب استرآباد پیدا شده است. همچنین از احمد تکودار ۱، ارغون ۳، گیخاوتو ۱، غازان محمود ۴، اولجاتیو ۳ و ابوسعید ۴ تپ سکه ضرب استرآباد یافت شده است. پشت یکی از ۳ تپ سکه دوره ارغون، عبارت «علی ولی اله» حک شده که نشان می‌دهد تشیع در استرآباد تنها مختص به دوره صفوی نبوده است. بلکه دیرینگی بیش‌تری در این منطقه دارد. از دوره تیموری سکه‌های بیش‌تری در اختیار ماست. از زمان حکومت تیمور ۲ تپ، شاهرخ ۱۲ تپ، بابر ۶ تپ، محمود ابن بابر ۱ تپ، ابوسعید تیموری ۳ تپ، حسین بایقرا ۱۱ تپ، بدیع‌الزمان میرزا ۱ تپ، محمدحسین میرزا ۲ تپ و فریدون حسین میرزا ۱ تپ سکه ضرب استرآباد وجود دارد. همچنین از دوره صفوی، از زمان شاه اسماعیل ۱۴ تپ، طهماسب ۱۹ تپ، محمد خدابنده ۲ تپ، شاه عباس ۴ تپ، طهماسب ثانی ۲ تپ و اسماعیل سوم ۲ تپ سکه ضرب استرآباد در دسترس ماست. و از دوره قاجاری، از محمدحسن خان ۱ تپ، آغا محمدخان ۲ تپ، باباخان (فتحعلی شاه متقدم) ۱ تپ، فتحعلی شاه ۱۴ تپ، محمدشاه ۳ تپ و ناصرالدین شاه ۲۸ تپ سکه پیدا شده است. روی‌هم‌رفته، ضراب‌خانه استرآباد در طول تاریخ بسیار مهم بوده و در مقاطعی سکه طلا هم ضرب می‌کرده. قطعا نشست‌های تخصصی و فنی ادواری در خصوص سکه‌های تاریخی استرآباد نقش مؤثری در ارائه یافته‌های جدید تاریخی، مبنی بر این سکه‌ها خواهد داشت.

البته ازبک‌ها بعدها در زمان کوچ کونجی خان به صورت پارتیزانی به استرآباد حمله می‌کنند و دوباره آن را به دست می‌آورند. سکه‌ای به عنوان یک سند ارزشمند از این دوره تاریخی در استرآباد وجود دارد که نام کوچ کونجی خان، واژه شیرمرد و تاریخ ۹۱۳ بر آن حک شده است. این در حالی است که در همان زمان همچنان شاه طهماسب بر سر قدرت بود. این موضوع قدرت سکه‌شناسی در مشخص کردن نکات مبهم تاریخ را به ما نشان می‌دهد. همچنین اواخر دوره صفوی که سر و کله روس‌ها پیدا می‌شود، طهماسب ثانی یا طهماسب میرزا مناطق استرآباد، مازندران و گیلان را در پیمان سن‌پترزبورگ به روسیه تحت حاکمیت پتر کبیر واگذار می‌کند. پتر کبیر نیز افرادی را تحت عنوان فرماندار به این مناطق می‌فرستد. اگرچه که مرگ وی زود فرا می‌رسد، اما طبق اسناد تاریخی، روس‌ها تا سال ۱۱۴۶ در استان‌های شمالی ما حضور داشتند. سکه‌ای با نام طهماسب ثانی در سال ۱۱۳۹ (۲ سال پس از مرگ پتر کبیر) در استرآباد وجود دارد که باور ملنگور را نقض می‌کند. چرا که نشان‌دهنده نفوذ بالای طهماسب ثانی در استرآباد است. تا حدی که سکه‌هایی با نام خودش را در این منطقه ضرب کرده است.

سکه‌های استرآباد

آرش امینی در انتها ضمن ارائه آماری از سکه‌های ضرب‌شده در استرآباد در دوره‌های مختلف اظهار داشت: در دوره ایلخانی از چنگیزخان ۱ تپ سکه

گنج جنگل‌های گلستان زیر تیغ تخریب

آماده‌باش کامل است. فرمانده این یگان، از کشف و ضبط ۱۳۶ کیلوگرم قارچ ترافل در ماه‌های اخیر خبر داد و گفت: متخلفان دستگیر و به دستگاه قضایی معرفی شده‌اند، اما چالش همچنان پابرجاست. عیسی گل‌بینی مفرد از مردم خواست تخلفات را با شماره‌های ۱۵۰۴ و ۱۳۹ گزارش دهند تا جنگل‌های گلستان از گزند سودجویان در امان بماند. کارشناسان معتقدند مقابله با این بحران نیازمند رویکردی چندجانبه است. اجرای قوانین سخت‌گیرانه، اطلاع‌رسانی گسترده درباره پیامدهای زیست‌محیطی برداشت بی‌رویه، و تشویق به کشت صنعتی قارچ ترافل می‌تواند فشار بر جنگل‌ها را کاهش دهد. همچنین، جایگزینی ترافل با سایر قارچ‌های خوراکی و جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از منابع طبیعی، راهکارهایی امیدبخش برای حفظ این گنجینه سبز است. جنگل‌های گلستان، ریه‌های تنفسی شمال ایران، در برابر طمع سودجویان شکننده‌اند. حفاظت از قارچ ترافل نه‌فقط حفظ یک ماده خوراکی، بلکه دفاع از حیات جنگل‌های هیرکانی است. با هم‌افزایی مسوولان، مردم و کارشناسان، می‌توان این میراث طبیعی را برای نسل‌های آینده حفظ کرد. زمان آن رسیده که به جای تخریب، دست در دست طبیعت، آینده‌های سبز برای گلستان رقم بزنیم.



ترافل باعث از بین رفتن بذر و نهال‌های کوچک درختان و برهم خوردن نظم خاک جنگل و در نهایت خشکی درختان می‌شود. یگان حفاظت منابع طبیعی گلستان در

سرپرست اداره کل منابع طبیعی گلستان، هشدار داد: برداشت غیرمجاز ترافل ممنوع است و با متخلفان قاطعانه برخورد می‌شود. علی نیکویی افزود: برداشت بی‌رویه قارچ

قارچ ترافل که در پای درختان بلوط جنگل هیرکانی می‌روید، به دلیل ارزش بالای اقتصادی در بازارهای جهانی، طعمه سودجویان شده و برداشت بی‌رویه و غیرقانونی این قارچ نه‌تنها ریشه درختان ارزشمند را نابود می‌کند، بلکه چرخه حیات جنگل و تغذیه جانوران را به خطر انداخته است. به گزارش ایرنا، در گستره ۴۵۲ هزار هکتاری جنگل‌های گلستان، از بندرگز تا گلیداغ، قارچ ترافل در عمق خاک و در آغوش ریشه‌های بلوط رویش می‌کند و به دلیل قیمت سرسام‌آور در بازارهای اروپایی، به هدفی وسوسه‌انگیز برای قاچاقچیان بدل شده است. این شکار بی‌رحمانه، با شخم زدن خاک و تخریب ریشه درختان، زخمی عمیق بر پیکر جنگل‌های هیرکانی می‌زند که در این شرایط، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور با ابلاغ شیوه‌نامه‌ای، برداشت ترافل را ممنوع و قاچاق اعلام کرده، اما هجوم سودجویان همچنان ادامه دارد. برداشت ترافل نیازمند دانش تخصصی برای شناسایی محل رویش است اما قاچاقچیان ناآگاه با شخم گسترده خاک پای درختان بلوط، نه‌تنها به این گونه ارزشمند آسیب می‌زنند، بلکه بذرها و نهال‌های کوچک را نابود و نظم خاک جنگل را برهم می‌زنند که نتیجه آن خشکیدن درختان، اختلال در تغذیه جانوران جنگلی و فروپاشی تدریجی اکوسیستم.



ولی ما در وجود خود واقعیم که این آگاهی اخلاقی عنصری والا تر از لذت جویی است. این آگاهی برینانی از تجربه نیست بلکه بخشی از ساختار فطری ذهن ماست و مانند دادگاهی درون تمامی انسانها عمل می کند. این آگاهی مطلق است و به گونه ای نامشروط بدون استثنا و بهانه به ما فرمان می دهد که کنش درست را از حیث نفس آن و به عنوان هلفی در خود، و نه به عنوان وسیله ای برای نیل به خوشبختی یا پاداش یا فایده ای دیگر انجام دهیم. این امر مطلق دو شکل به خود می گیرد: طوری عمل کن که دستور اراده ات مانند یک اصل قانون گزار کلی معتبر باشد. یعنی به شکلی عمل کن که اگر دیگران هم مثل تو عمل کنند، همه چیز در ملاری صحیح باشد. در طریق دوم می گوید: «طوری عمل کن که انسانیت را چه در شخص خودت چه در شخص دیگری، همیشه چونان غایت (هلف) تلقی کنی نه به مثابه وسیله». حس تعهد اخلاقی نشان دهنده آزادی اراده است، اگر ما آزادی نداشته باشیم که آنچه می خواهیم بکنیم یا نکنیم و اگر اعمال ما تنها حلقه هایی از زنجیره ی ناگسستگی علت و معلول مکانیکی بودند چگونه می توانستیم این آگاهی از تکلیف را داشته باشیم؟ بدون آزادی اراده شخصیت بی مفهوم می شود؛ اگر شخصیت مفهوم نداشته باشد، زندگی هم همینطور می شود و در نهایت جهان هم فاقد مفهوم و معنا خواهد بود.

نظریات سیاسی:

کانت رساله سیاسی عمده ای نوشته است و عقایدش در این باب در آثار گوناگون و مقالات مختلف یافت می شود. درباره ی این پرسش که افراد باید به کدام انتخاب های اخلاقی دست بزنند، کانت به شدت فردگراست. او در بنیاد متافیزیک اخلاق استدلال می کند که بر عهده ی هر فرد است که درباره ی قواعد اخلاقی خود، از طریق آنچه آن را (امر مطلق) می خواند، تصمیم بگیرد. در عمل امر مطلق اقتضا می کند که به گونه ای عمل کنیم که می خواهیم دیگران نیز در شرایط یکسان همان گونه عمل کنند. او همچنین بر این باور است که به دلیل اینکه انسانها قادرند قواعد اخلاقی شان را خود وضع کنند، هر انسانی ارزش اخلاقی بی نهایتی دارد و به این ترتیب انسان از حق آزادی و استقلال برخوردار است. حال پرسش سیاسی این است که چه نوع حکومتی برای جامعه متشکل از چنین انسانهایی مناسب است؟ پاسخ کانت «جمهوری» است. منظور کانت از جمهوری حکومتی قانونی است که بر این اصل استوار است که همگان شایسته ی حداکثر آزادی سازگار با آزادی دیگرانند. او تصور می کرد چنین حکومتی برای همه ی موجودات عقلانی ضروری است و ما تکلیف اخلاقی داریم که برای برپایی حکومتی از این نوع تلاش کنیم. کانت با اینکه خود در دولتی اقتدارگرا و مطلق گرا زندگی میکرد ایمان زیادی به اثر بخشی این نوع حکومت داشت. او معتقد بود جمهوری به شکل جدی سبب کاهش جنگ ها، جنایات و دیگر فجایع ناشی از شرایط بشری می شود و این به دلیل آن است که از نظر او اگر افراد آزاد نباشند، نمی توانند به موقعیت اخلاقی کامل خود دست یابند. حتی خیرخواه ترین حکومت پدسالاری رشد اخلاقی مردم را متوقف می سازد و این امر بخش بزرگی از شرارت ها را در جهان توجیه می کند. هرگاه از نظر کانت حکومت جمهوری برقرار شود، مردم باید بیش از پیش بالغ، مسئول و عاقل گردند. کانت بر این باور بود که گسترش حکومت جمهوری، جنگ را که از نظر او دشمن همه چیزهای خوب است از میان خواهد برد؛ با وجود این، او معتقد نبود که حکومت جمهوری جهانی امکان پذیر است. به باور او آنچه نهایتاً صلح را به صورت دائم تضمین می کند، تشکیل اتحادیه ای از حکومت های جمهوری است که از طریق آن مناقشات بین المللی حل و فصل شود. این هلفی بود که دستیابی به آن طول می کشید، اما او شکی نداشت که این سرزوشن نهایی بشر و والا ترین هدف سیاسی است. کانت معتقد بود که انسان ها به طور طبیعی موجوداتی اجتماعی اند و در همان حال، رفتارشان به شدت گرایش به غیراجتماعی بودن دارد، آنان بلندپرواز، خود محور و متجاوزند. اما در حالی که این رفتار به نفع، جرم و جنایت، استبداد و خشم ختم می شود، نهایتاً به موارد متضاد آنان نیز منتهی می گردد؛ زیرا نتایج دهشت بار جنگ و جنایت مردم را وادار می سازد جوامعی منظم و دارای قوانین و نهادها بنا کنند و در آخر نیاز به زندگی در چهارچوب نظم قانونی و عقلانی مبتنی بر اصول آزادی را تشخیص دهند و نتیجه ی این رخداد صلح دائمی خواهد بود.

می کنند که فاصله همه نقاطش از نقطه دیگر درونی یک اندازه باشد پس این خط دایره، آن فاصله ها شعاع و آن نقطه درونی را مرکز می نامند. بنابراین فرض (جعل) برای دایره احکامی صادر می کنند. اما موضوعات متافیزیک از جسم و روح و ... مخلوق عقل نیستند و بنابراین تنها به فرض عقلی حقیقتشان به دست نمی آید. در نهایت پس از تأمل بسیار کانت در کشف حقیقت، ابزار حس و تجربه را تنها وسیله تحصیل علم دانست و چون بنیاد متافیزیک را سست دید، در باب علم خود را قانع کرد به اینکه از درک حقیقت ذوات دست برداشته و به معرفت ظواهر اکتفا نماید. با این همه خیال کانت آرام نمی شد و به این فکر میگرد که اگر به وسیله فلسفه شناخت ذوات و جواهر ممکن نیست، لااقل باید حدود قوه فاهمه (عقل) را معلوم کرد تا بدانیم چه می توان دانست و تا کجا می توان به یقین دست یافت.

نقد عقل محض:

نیکلاس کوپرنیکوس (Nicolaus Copernicus) در کیهان شناسی و نجوم نظریه انقلابی را مطرح کرد که اساس نظریات مفروض قبلی یعنی نظریه ارسطویی-بطلمیوسی را زیر رو کرد و آن این بود که زمین به دور خورشید می گردد نه برعکس. کانت در پیشگفتار نقد عقل محض کار خود را انقلاب کوپرنیکی در فلسفه می خواند. اما مگر رای انقلابی کانت چه بوده است؟ «جهانی که در آن به سر می بریم و آن را مورد ادراک قرار می دهیم وابسته است به کیفیت ذهن فاعل شناسا (مدرک)، نه اینکه به کلی جهانی مستقل از ذهن ما وجود داشته باشد.» قبل از کانت بسیاری از فلاسفه فرض را بر این می گذاشتند که ما انسانها دریافت کنندگان منفعل داده ها و اطلاعات درباره جهان هستیم، اما کانت استدلال کرد که ما در مقام ادراک کنندگان جهان (سوژه) کیفیت خاصی را بر تمامی تجربه هایمان بار می کنیم و اساساً شرط داشتن هرگونه تجربه ای این است که جهان را به صورتی تجربه کنیم که حاوی نسبت های علت و معلول باشد و در قالب زمان سامان یافته باشد و عین هایی که ادراکشان می کنیم دارای نسبت مکانی با یکدیگر باشند. نه علت و معلول و نه زمان و مکان در جهان خارج نیستند و مستقل از ما وجود ندارند، بلکه ذهن سوژه (فاعل شناسا) آنها را بر جهان خارج بار می کند. مانند عینکی که بر همه تجربه هایمان رنگ می زند. همانطور که از عنوان این اثر شاخص کانت روشن است، کانت بر این نظر خورده می گیرد که ما می توانیم به کمک عقل تنها به ذات واقعیت وقوف پیدا کنیم و در مقابل بیان می کند که لازمه شناخت حقیقت، هم تجربه حسی است و هم مفاهیمی که سوژه (مدرک) بر تجربه اش بار می کند؛ هر کدام بدون آن دیگری راه به جایی نمی برد. علی الخصوص تفکر درباره موضوعات متافیزیک ارزشی ندارد مگر در صورتی که بر تجربه مبتنی باشد. شهید مرتضی مطهری در توضیح این بخش از تفکر کانت در کتاب شناخت شناسی این طور بیان می کند که: «از نظر کانت شناخت یک حقیقت دو مرحله ایست، او معتقد است که حس، ماده بی شکل و بی صورت شناخت را به انسان می دهد و این ماده به ذهن می رود و این خود ذهن است که به آن ماده بی شکل، صورت می دهد. مجموع ماده که از حس آمده و صورت که در ذهن پیدا می شود یک مرحله از شناخت است. کانت معتقد است که مکان و زمان، واقعیت عینی ندارند، بلکه واقعیت ذهنی هستند و ما چیزی را نمی توانیم تصور کنیم یا بشناسیم الا در زمان و مکان. و در واقع ما خیال می کنیم که اشیاء در بیرون در جایگاه زمانی و مکانی قرار گرفته اند مثلاً خیال می کنی خورشید در بیرون مکان دارد، انسان ها در بیرون مکان و زمان دارند مثل اینکه دیشب شمار در آنجا نشسته بودید و من در فلان جا بودم، ولی خیال می کنیم طرف دیشب، طرف امشب، طرف آن محل و این محل عینیت دارد. اشیاء را جز در مکان و زمان نمی شود تصور کرد و شناخت، ولی زمان و مکان ساخته ی ذهن توست. مرحله ی بعد از این مقولات معروف دوازده گانه کانت است.» (۹۰-۹۱ شناخت شناسی)

نقد عقل عملی:

کانت در نقد اول نشان داد که دست عقل از شناخت حقیقت جواهر و ذوات کوتاه است و یقین یافتن در امور متافیزیکال ممکن نیست در حالی که در امور طبیعی و ظواهر می توان به ادراکات عقل اعتماد کرد. اما نکته ای مهم در این میان از چشمان ناقد کانت دور نماند و آن این است که اگر از راه عقل نظری نمی توان نسبت به امور معنوی و مجردات یقین پیدا کرد، به انکار هم نمی توان پای فشرد؛ بلکه آن امور عقلاً محتمل اند و از راه دیگری یعنی از راه عقل عملی جزمیت پیدا کردن به اثبات آنها میسر می شود. کانت می گوید که عقل محض نمی تواند آزادی اراده را اثبات کند و چون به عقیده کانت اخلاقیات چنین آزادی را ایجاب می کند، چنین به نظر می آمد که اخلاقیات مانند الهیات فاقد پایه ای معقول شده است. از آن بدتر اینکه نهضت روشنگری با ابراز شک و تردید درباره ی وجود خداوندی که پاداش دهد و مجازات کند، اخلاقیات را از شالوه ی مذهبی محروم ساخته بود. حال این سؤال پیش آمد که اگر قرار بود این پایه های دیرینه ی اخلاقیات فروریزند، تمدن چگونه می توانست به حال خود باقی بماند؟ کانت در اینجا احساس کرد که او به عنوان مردی با ایمان در عصر روشنگری، ناچار است زمینه ای عقلانی برای یک قانون اخلاقی بیابد. کانت در این اثر اظهار داشت که منشاء و موضوع تمامی مفاهیم اخلاقی تماماً از پیش در عقل موجود است. در نزد کانت هر فرد دارای یک وجدان اخلاقی، یک نوع احساس وظیفه و مسئولیت، یک آگاهی از قانون اخلاقی مطلق است. او می گوید: «او چیز ذهن را با احساس تحسین و هراسی پیوسته تازه و در حال افزایش پر می کند: یکی آسمان های پر ستاره در بالای سر ما و دیگری قانون اخلاقی در درون ما» بعدها این جمله بر روی سنگ مزار او حک شد. این آگاهی اخلاقی اغلب با امیال لذت جویانه ی ما در تضاد قرار می گیرد،



گذری بر اندیشه های امانوئل کانت



محمد حسین شعبانی

امانوئل کانت در سال ۱۷۲۴ میلادی در شهر کونیگسبرگ آلمان (که نام پیشین و اصلی شهر کنونی کالینینگراد متعلق به روسیه است) و خانواده ای مقدس و مذهبی متولد شد. تقریباً تمام عمر هشتاد ساله خود را در راه مطالعه، دانش اندوزی، تألیف و تصنیف گذراند. او در شاخه های مختلف علم از جمله ریاضیات، فیزیک، نجوم و متافیزیک تبخیر پیدا کرده و به مقام استادی نائل شد. کانت هیچ گاه ازواج نکرد و زندگی اش از اصول و نظم خاصی پیروی میکرد؛ به طور مثال: ساعت بیداری از خواب، انجام کارهای روزمره، ساعت و مقدار غذا خوردن، ساعت پیاده روی، ساعت و میزان خواب شب و ... را بر اساس نظم تعیینی خود هرروزه تکرار میکرد و همچنین تفریح خاصی انجام نمیداد. در عین حال او فردی گشاده رو، خوش مشرب و با مهر و محبت بود به طوری که ساعات طولانی برای معاشرت با اهالی خانواده و دوستان بر سر میز ناهار میگذراند. از خصلت های معروف دیگر او میتوان به وفاداری و نیکوکاری اشاره کرد. در دوره سلطنت فردریک گیلیموم دوم (پادشاه پروس)، کانت رساله ای به نام دین در حدود عقل نوشته بود که باعث سختگیری ها و سرزنش هایی نسبت به او شد و مجبور به پذیرش التزام علم نوشتن مطلب درباره امور دینی گردید؛ البته کانت پس از مرگ فردریک به نوشتارهای دینی خود ادامه داد. کانت از کسانی بوده است که از دانشجویی جز دریافت حقیقت منظوری نداشته و شهرت طلبی و خودنمایی و کسب مال و مقام به دور بوده است و جز آنچه حقیقت می دانسته نمی گفته و نمی نوشته است. آثار قلمی کانت به هفتاد و هشت کتاب کوچک و بزرگ می رسد که اکثر مسائل علمی از جمله ریاضی، فیزیک، جغرافیا، زمین شناسی، نجوم، جو و هواشناسی، منطق، الهیات و سیاست را شامل می شود؛ ولیکن مهم ترین آثار او در تقاضی عقل و فلسفه است که مایه شهرت گسترده ی او شده است. نوشته های کانت اغلب بسیار پیچیده و دشوار است به طوری که ویل دورانت درباره ی او می گوید: «کانت هم مانند یهوه است و هم مانند او نیست؛ زیرا مانند یهوه از خلال ابرها سخن می گوید ولی روشنایی برق او را ندارد.» کانت از بیست و سه سالگی تاسی و دو سالگی مشغول غور در مسائل علمی بود که در این مسائل از پیروان نیوتن محسوب و رسالتهای هم در دنباله آرای او در باب ساختار عالم و چگونگی خلق جهان و در مخالفت با آرای دکارت نوشته است. پس از آن بیشتر به فلسفه اشتغال داشت و تا چهل و پنج سالگی از فیلسوفان دکماتیک (dogmatic) که به شمار می آمد. در آن زمان کانت به پیروی از کریستیان ولف (Christian Wolff) از تابعین فلسفه لایبنیتس حکیم بزرگ قرن هفدهم آلمان بود، اما چون طبع تحقیق داشت، تبعیت صرف از او یا هر کس دیگری نمیکرد و از خود نیز اظهار رای می نمود. در قرن هجدهم متفکران از متافیزیک سرخورده بودند و به پیروی از حکمای انگلیسی روش حس و تجربه را پسندیده بودند و پیروان متافیزیک را که تنها به برهان عقلی میخواستند مجهولات را معلوم کنند به استهزا می گرفتند. در این بین کانت پس از مطالعات بسیار به ویژه مطالعه آثار نیوید هیوم (Daid Hume) انگلیسی اعتقادش به مباحث متافیزیکال سست تر می شد و این پرسش به ذهنش خطور کرد که اگر عقل توان کشف مجهولات در امور متافیزیکی را ندارد پس چطور ریاضی دانان که تنها از عقل استفاده می کنند می توانند به معلوم کردن مجهولات ریاضی با دقت و یقین دست یابند؟ که در پاسخ به این جواب رسید که میان مسائل ریاضیات و متافیزیک تفاوت بزرگی است مبنی بر اینکه مواد مورد استفاده در استدلالات عقلانی علم ریاضی، جعل شده و فرضیات (برساخت) ذهن دانشمندان این حوزه است و با توجه به این فرض هرچه عقل حکم کند درست است. به طور مثال: خطی را فرض

چنگ بر ریسمان گسسته‌ی تفریحی مذبوح!



علی درزی - دبیر صفحه

سینمای مستقل به چه سینمایی گفته می‌شود؟

سینمای مستقل به فیلم‌هایی گفته می‌شود که خارج از نظام‌های اصلی تجاری و استودیویی ساخته می‌شوند. یعنی فیلم‌هایی که از نظر مالی، تولید، پخش یا محتوایی وابسته به شرکت‌های بزرگ (مثل استودیوهای هالیوودی یا نهادهای دولتی) نیستند. و از فاکتورهای مشخصی برخوردارند. **تأمین مالی مستقل:** بودجه فیلم معمولاً از منابع خصوصی، شرکت‌های کوچک، یا خود کارگردان/تهیه‌کننده تأمین می‌شود، نه از طریق استودیوهای عظیم یا دولت‌ها. **آزادی خلاقانه:** فیلمساز در انتخاب موضوع، نحوه روایت، سبک بصری و شخصیت‌ها آزادی بیشتری دارد. کمتر مجبور است سلیقه بازار یا سانسورهای بزرگ را رعایت کند. **مضامین متفاوت:** سینمای مستقل اغلب سرآغ موضوعات جسورانه‌تر، شخصی‌تر یا غیرمتعارف می‌رود؛ مثل مسائل اجتماعی، بحران‌های فردی، روایت‌های تجربی یا فرم‌های غیرکلاسیک. **روش پخش متفاوت:** این فیلم‌ها معمولاً ابتدا در جشنواره‌های سینمایی (مثل کن، سانانس، ونیز) اکران می‌شوند و بعد از آن ممکن است وارد اکران محدود یا پلتفرم‌های دیجیتال شوند. گاهی یک فیلم مستقل، اگر موفق شود، توسط پخش‌کننده‌های بزرگ خریداری می‌شود یا به موفقیت‌های جهانی می‌رسد. اما ماهیتش در مرحله تولید مستقل بوده است.

حالا سینمای هنری چیست؟

سینمای هنری بیشتر به خاطر محتوا و فرم‌ش تعریف می‌شود، نه فقط تأمین مالی. موضوعات پیچیده‌تر، شخصیت‌محورتر یا ساختار روایی غیرمعمول دارد. معمولاً بیشتر به کشف احساسات، فلسفه یا نقد اجتماعی می‌پردازد.

ممکن است تولیدش مستقل باشد یا حتی گاهی از سوی یک استودیو بزرگ حمایت شود. مثلاً فیلم‌های برگمان یا آنتونیونی فیلم‌های هنری هستند، حتی اگر توسط کمپانی‌های بزرگ حمایت شده باشند. فیلم‌هایی در دسته‌های دیگری مثل فیلم‌های تجربه‌گرا هم داریم.

فیلم تجربه‌گرا (Experimental Film) به فیلمی گفته می‌شود که قوانین معمول روایتگری، تدوین، تصویرسازی یا صدا را می‌شکند و به دنبال کشف یا آزمایش راه‌های تازه‌ی بیان سینمایی است. از ویژگی اصلی فیلم‌های تجربه‌گرا می‌توان موارد زیر را نام برد. روایت کلاسیک ندارند؛ یعنی ممکن است اصلاً قصه‌ای با شروع، میانه و پایان نداشته باشند، یا روایت بسیار غیرخطی و مبهم باشد. **تکنیک‌های بصری خاص دارند:** استفاده از رنگ‌های خاص، کادرهای غیرمعمول، حرکات دوربین عجیب، یا

ترکیب تصویرهایی که در سینمای داستانی رایج نیست. آزمایش با صدا: موسیقی‌های غیرمعمول، سکوت طولانی، یا صداهای نامتعارف جایگزین گفت‌وگوهای سنتی می‌شوند. **تأکید بر احساس یا ایده:** به جای قصه‌گویی مستقیم، فیلم سعی می‌کند یک حس، حالت روحی یا مفهوم ذهنی را منتقل کند.

ساخته شدن برای کشف: هدف این فیلم‌ها معمولاً سرگرم کردن یا جذب تماشاگر عام نیست؛ بیشتر به عنوان یک هنر تجربی یا شخصی ساخته می‌شوند. به سری فیلم‌های دیگر هم داریم به عنوان آوانگارد. فیلم آوانگارد یعنی فیلمی که کاملاً جلوتر از زمان خودش حرکت می‌کند، ساختارشکنی می‌کند و به دنبال کشف شیوه‌های تازه‌ی بیان سینمایی است. در واقع، خیلی از فیلم‌های تجربه‌گرا که قبلاً گفتیم، زیرمجموعه سینمای آوانگارد هم هستند، اما آوانگارد معنای گسترده‌تر و تاریخی‌تری دارد. از ویژگی‌های فیلم آوانگارد می‌توان گفت:

نوآوری شدید در فرم: شیوه تدوین، نورپردازی، حرکت دوربین، ترکیب تصویر و صدا ممکن است رادیکال یا حتی برای تماشاگر عادی "عجیب" به نظر برسد. نقض قواعد کلاسیک داستان‌گویی: روایت یا خط داستانی ممکن است حذف شود یا کاملاً شکسته باشد. **نگاه انتقادی یا انقلابی:** آوانگارد معمولاً با سنت‌ها و ارزش‌های تثبیت‌شده‌ی جامعه یا هنر رایج مخالفت می‌کند. **پیوند با هنرهای دیگر:** خیلی از آوانگادها از نقاشی، تئاتر، شعر یا موسیقی مدرن الهام می‌گیرند. می‌توان گفت فیلم‌های «تجربه‌گرا» بیشتر به روش فیلمسازی اشاره دارد (مثل آزمایش با تکنیک‌ها) ولی «آوانگارد» علاوه بر تجربه، موضع انتقادی و رادیکال نسبت به هنر یا جامعه هم دارد. پس همه فیلم‌های آوانگارد تجربه‌گرا هستند، ولی هر فیلم تجربه‌گرا لزوماً آوانگارد نیست. دسته‌ای دیگر هم هست به عنوان فیلم کالت (Cult Film) به فیلمی گفته می‌شود که در زمان اکرانش ممکن است چندین موفق نباشد یا حتی شکست بخورد، ولی با گذشت زمان گروهی از طرفداران بسیار وفادار و پرشور پیدا می‌کند. از ویژگی‌های اصلی فیلم‌های کالت می‌توان موارد زیر را نام برد.

طرفداران وفادار: کسانی که بارها فیلم را می‌بینند، درباره‌اش بحث می‌کنند و حتی گاهی مراسم یا نمایش‌های ویژه برایش برگزار می‌کنند. متمایز یا عجیب بودن داستان‌های نامتعارف، شخصیت‌های عجیب، دیالوگ‌های خاص یا فضای منحصر به فرد دارند. شکست اولیه یا موفقیت خاص: معمولاً وقتی تازه اکران می‌شوند زیاد موفق نمی‌شوند، ولی بعداً به تدریج محبوب می‌شوند. **ارزش تکرارپذیری:** طرفداران دوست دارند این فیلم‌ها را چندین بار تماشا کنند.

حس تعلق: طرفداران فیلم‌های کالت اغلب احساس می‌کنند عضوی از یک گروه خاص یا «فرهنگ فرعی» هستند. یقیناً اینجا مقاله علمی یا آموزشی هلف ما نیست ولی، بهتر است یک سری جریان‌های اصلی خود سینما را بشناسیم. البته فارغ از جریان‌هایی که خود سینما برای خودش رقم زد، مانند: نواز، موج نو، دکامه، اکسپرسیونیسم و پست مدرن و ...

بدانستن این تعاریف بهتر است برویم سراغ سینمای حال حاضر خودمان و فیلم‌هایی که از این منظر ساخته می‌شوند. فیلم‌هایی مانند شهر خاموش که در شماره قبلی به آن پرداختیم و این هفته فیلم آشیل. آشیل یک فیلم مستقل است. با معنی اولیه مستقل هم که آشنا شدیم.

همان‌طور که مارکس را نمی‌شود از نظریه‌های اقتصادی جدا کرد، سینما را هم نمی‌توان فارغ از هالیوود نقد کرد. در فیلم‌های مستقل هالیوودی، برخلاف سینمای به اصطلاح مستقل کشور خودمان، اتفاقاً کاملاً موازی با سینمای بلنده است. اجازه بدهید یک مثال بزنم.

فیلم گوست داگ اثر جیم جارموش.

گوست داگ داستان یک قاتل اجیر شده‌ای است که بر اساس اصول سامورایی برای ارباب خودش آدم می‌کشد تا اینکه خودش هدف اربابش قرار می‌گیرد. این فیلم بر اساس هجو هالیوود و ستایش تفکرات شرقی مثل سامورایی ژاپنی ساخته می‌شود. هجویت جارموش به هالیوود و جامعه‌ی آمریکایی در این فیلم بی‌شمار است، این نوع هجو نه تنها به خود دولت و سینما، بلکه به خود اقتدار مختلف مردم، اعم از گانگسترها و خلاف‌کارها تا مردم عادی هم طعنه می‌زند.

این هجو در مسیری هالیوودی به هالیوود نیش و کنایه می‌زند. به واسطه اصول پست مدرنی با نشان دادن خشن‌ترین صحنه‌ها، لحظات کمیک ایجاد می‌کند. اصولاً فیلم‌های مستقل این‌گونه هستند؛ در جریان مسیر اصلی به مخالفت می‌پردازند.

حالا جریان سینمای مستقل ما چیست؟

سینمای مستقل، سینمای هنری، آوانگارد و همه آنهایی که توضیح داده شد، در ایران به این صورت است: زنان شل حجاب یا بی‌حجابند یا مستقیم از رابطه جنسی می‌گویند یا بحث اعتراض به سیاست‌های حکومت است.

سینمای بلنده ما هم که نود درصد شده طنزهای

سختی، ده درصد دیگر یا فیلم‌های ارزشی با بودجه‌های

دولتی هستند یا ملودرام‌های اجتماعی خیانت محور.

وقتی بلنده درستی وجود نداشته باشد، سینمای خلاف

جریان هم به همان نسبت سختی خواهد شد.

برای مثال شما فیلم‌های گانگستری مثل پدرخوانده،

رفقای خوب، لس‌آنجلس محرمانه یا فیلم‌هایی

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

که

با محوریت قاتل حرفه‌ای مثل وثیقه، لئون، روز شغال دارید، آن وقت می‌توانید در خلاف جهت جریان فیلم مستقلی مثل گوست‌داگ بسازید. همه فیلم‌های مستقل ایران شده مقاله نقد اجتماعی حقوق زنان، آزادی اجتماعی، حقوق زندانیان سیاسی، نگاه مستندوار به فقر حاکم بر کودکان کار بدون هیچ نگاه خلاقانه و منتقدانه‌ی در داستان پروری، بدون هیچ مضمون زربله‌ای در طول پیرنگ قصه‌ها. فیلم آشیل قصه یک کارگردان جوانی است که در اواسط سی سالگی‌اش به این نتیجه می‌رسد که برای فیلمساز شدن و رسیدن به رویاهای هنری‌اش دو راه بیشتر ندارد. یا بایستی خودش را گم و گور کند و ساکت بنشیند یا اینکه مهاجرت کند. او که از همسرش جدا شده راه اول را انتخاب کرده و مسئول آتل‌های بیماران ارتوپد بیمارستان شده. یک شب متوجه بخش تقریباً سری بیمارستان می‌شود، بخش روانی‌ها و آنجا با یک زندانی سیاسی (زن) روانی آشنا می‌شود. او را فراری می‌دهد و بقیه ماجرا ...

سکانس‌های ابتدایی به لحاظ اطلاعات دهی فوق‌العاده جلو می‌رود ولی، بعد از این شروع دیگر چیزی ندارم جز، کلیشه‌های سینمای مستقل ایرانی، همان احقاق حقوق‌های پایمال شده، چرخه معیوبی که قصه و فرم و محتوا، همه و همه قربانی مانیفست سیاسی-اجتماعی اثر می‌شود. قصه دیگر از قصه نیست و فیلم به شعار دادن می‌افتد.

برای فهمیدن شرایط کشور لازم نیست دو ساعت پای فیلم شعاری بنشینیم. به محض باز کردن صفحات مجازی یا چرخاندن پیچ تلوزیون، اخبار بحران‌های داخلی و خارجی، از در و دیوار بر سرمان آوار می‌شود. اگر دو سر طیف فیلم ایرانی را از یک سر کملی سختی و از سمت دیگر فیلم‌های مستقل سیاست زده‌ای مثل کبک محبوب من و دانه انجیر معابد و آشیل در نظر بگیریم، کل این طیف یک مسیر اشتباه‌ست، مسیری رو به مرگ. همان موتی که ناصر تقوایی سال‌ها پیش برانمان برده از جنازه‌اش برداشت.

سینمای ایران مرده است

همان جنازه‌ای که به سانسور مرده. همان سانسوری که برنده دو اسکار خارجی زبان و افتخار سینمای ما امروز اذعان (اعتراف) می‌کند که سانسور تا یک جایی خلاقیت می‌آورد، جایی به بعد می‌خشکاند، می‌سوزاند، می‌میراند. این مرگ سینمای ما به روش طبیعی‌اش صورت نگرفته. بلکه مسمومش کردند.

سینما تلوزیون نیست که با از خود گذشتگی و بازگشت شکوهمندانه (بعد از اینکه به صراحت ادعا کرده بود دیگر با صدا و سیما همکاری نخواهد کرد) نقی معمولی رکورد فروش آنتن‌های تلوزیون در کشور را بشکند یا ترافیک‌ها را روان کند. سینما سینماست، نه سیرکی که هر دلچک معجد مویی با سرخ کردن دماغش بتواند قهرمانش شود.

سینما سینماست، برنامه‌های تلوزیونی نیست که معجد

موی‌های ورزشی و کچل‌های شومن‌ساز را چند سالی از

برنامه سازی دورشان کنند، کسان دیگری را جایگزینشان

کنند و باز با برگرداندنشان، رونقی به آنتن فروشی‌ها بدهند.

سینما هنر است، مرگ هنر مانند فرسایش خاک است.

بعد از بهمن محض چه بر سر المان‌ها و مجسمه‌ها

و نقاشی‌ها آمد؟ آیا نتیجه‌ای جز یک هیچ بزرگ

که هر ساله پول‌های کثیف می‌شود به دست آمد؟

سینما، سینماست. سال‌هاست که مرده. مرده را دیگر

نمی‌شود احیا کرد بلکه باید با سانسور و دوبله و

اکران فیلم‌های خارجی کفن پیچش کنند، فاتحه‌ای

بخوانند و خرما خیرات دهند و در آخر مثل فریندان

بارداهو در سفر به انتهای شب به خودمان بگویم:

ما طبیعتاً آنقدر پوچیم که فقط تفریح می‌تواند مانع مردن ما

شود. در مورد من، ریسمانی که با شدت و حدت مذبحانه به

آن چنگ می‌زد، ریسمان سینما بود که آن هم دیگر نیست.



شیاطین

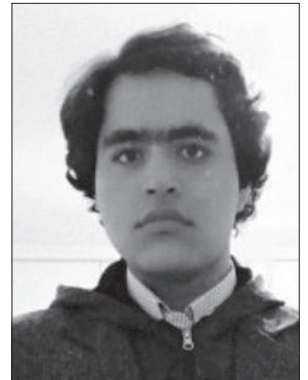
متن اول درباره‌ی سریال شیطان هم می‌گرید



هم. آن‌ها زاد و ولد دارند و انسان‌ها هم. بعد در آن زمان‌های قدیم، یکی از شیاطین رگ انسانی‌اش می‌زند بالا و جلوی آن یکی شیطان که می‌خواسته مرز بین دنیای انسان‌ها و شیاطین را باز کند می‌گیرد و به هم‌نوعان خودش خیانت می‌کند و خودش هم از دل آن‌ها می‌زند بیرون و می‌آید اینور و دست یک خانم خوشگل را می‌گیرد و می‌گوید آگه حالا نه، پس کی و بیا بریم تو کارش. یک جورهایی شبیه لئوس دو ایتی که رامشتاین می‌گوید و می‌خواند. این‌ها بچه دار میشوند و بچه‌هاشان نیمه انسانی و نیمه شیاطانی میشوند. به ظاهر انسان، اما در باطن دارای قدرت‌هایی که هیچ انسانی توانایی به دست آوردن آن را ندارد. قدرت زیاد، جوانی بی‌انتهای، سرعت بالا، توانایی ترمیم دردها و زخم‌ها، از جمله ویژگی‌هایی است که این دو برادر دارايش هستند. دانه و ورژیل. دانه برادر کوچک با لباس قرمز، و ورژیل برادر بزرگتر با لباس آبی.

این خوبست یا نه. دیگر رفته‌ای توش. و اگر این توش رفتن، واقعی باشد، میتواند کلی ایده‌های جدید برای انسان در همین زمان که نرفته است توش، به همراه داشته باشد. و این ایده‌ها آنقدر زیاد و جدی باشد، که دنیای ادبیات را متحول کند، و دنیای سینما را، و حتی دنیای بازی‌ها را. یکی ازین بازی‌ها دوئل می‌کرای است: شیطان هم می‌گیرد. بازی‌ای که پنج نسخه رسمی بیرون داده است و یک نسخه با عنوان مختصر دی‌ام‌سی. بعد دنیای بازی آنقدر داستان‌های مختلفی دارد، که همین اواخر برایش یک انیمیشن ساخته میشود. انیمیشنی سریالی، که نتفلیکس آن را پخش کرده است، و اقتباس تقریباً کلاسیکی است، از دنیای بازی. دنیای بازی چگونه است؟ اگر تعابیر عرفانی و اخلاقی را ندیده بگیریم، در بازی دنیایی داریم برای شیاطین، که موازی دنیای انسان‌ها گذر میکنند. آن‌ها زندگی‌شان را میکنند و انسان‌ها

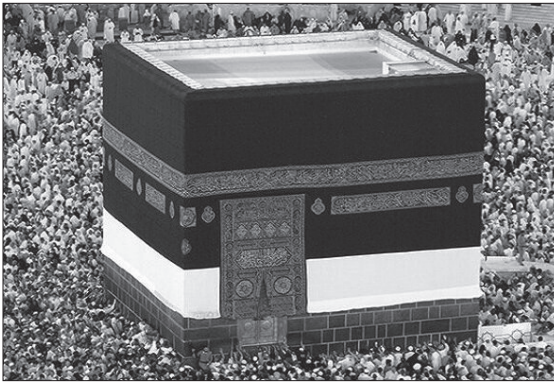
و وقتی کسی می‌میرد، دیگر نمی‌میرد و مردن برایش بی‌معنی است. این تعریف جاودانگی نیست و ایضا تعریف میرایی هم. بلکه تعریفی است برین ترتیب که اگر یک آدم زنده داشته باشیم و بعد این آدم بمیرد، این آدم نه مرگ را دیده است و نه مرگ را چشیده. چرا؟ چون مرده. و آدم مرده، نه حس دارد و نه گوش و نه چشم، که حسوی هستند بر حس. اما یک ایراد می‌آید روی حرف ابراهیمی، و آن اینکه آیا مرگ، حتی در کالبد جسمانی‌اش، با زمان سروکار دارد یا خیر؟ اگر مرگ، با مصدر مردن، یا با اشکال گوناگون رسیدن به مرگ، مانند میراندن، کشتن، جان دادن، و ازین دست موارد هم راستا شود، و درین خط صاف، جسم و روح انسان، جان را بدهد و مرگ را بچشد، آیا آن موقع هم، انسان زنده، مرگ را زنده‌زنده احساس نخواهد کرد؟ آیا انسان زنده، در زمان زنده بودنش، نمی‌میرد؟ و این مردن، تناقضی نیست بر سخن ابراهیمی؟ شاید بگویید خیر. و دلیل بیاورید که اگر کسی دارد می‌میرد، به این معنی نیست که مرده است، و چون هنوز نمرده است، پس هنوز درین جهان، زنده است. و خب طبیعی است که زنده بودن، در تضاد است با مردگی. اما بحث بر سر آن لحظاتی است که مرگ قطره قطره وارد شریان‌های انسان زنده میشود و خون سرخش را مثل یک زالو می‌مکد و او را پس از مدتی به کلی از زندگی تهی میکند. این لحظات میتواند به مثل سخن دولت آبادی در سلوک، از هر سنی آغاز شود، به شکلی که وقتی فرد، به تمامی، تمامی مرگ را در آغوش بکشد، در آغوش قبر بیفتد، و یا، در آن لحظات آخر، آن‌ها مانده‌ی زندگی را هم از سر بگذراند و لیوان زندگی‌اش تمام شود و بعد هم مثل یک زباله، بیفتد درون چاه مرده. بعد اما چه میشود؟ ممکن است چیزهای مختلفی اتفاق بیفتد. حاکی از هزار چیز ریز و درشت. خوب یا بد. بین و یانگ. فرشته یا شیطان. هرچیزی. دیگر کسی نیست که بتوانیم خرس را بگیریم و بگوییم این باشد یا نباشد یا



محمد صالح فصیحی

مفاهیمی چون دنیای پس از مرگ، بهشت و دوزخ و جهنم، از جمله مواردی‌اند که سال‌های سال ذهن بشر را، و تصور بشر را از این جهان و آن جهان - با تمام تعابیری که هستی‌اش را تایید یا تکذیب میکند - به خود مشغول کرده و میکند. درین زمینه ادیان ابراهیمی و علوم تجربی و فلسفه و حتی عرفان کاذب یا صادق - یا حتی کسی چه میداند: ثابت و ساکن - سخن گفته‌اند و به این اشتغال ذهنی و تصورات شکل داده‌اند. که چه میشود و چه نمیشود. البته در یک پراتنز بی‌پراتنز میتوان گفت که کسی به آن دنیا نرفته است و کسی هم که رفته است پرنگشته است از آنجا تا بخواید از آنجا - آنجا که جایی نیست - سخن بگوید و بگوید فلان بود و بهمان بود تا بقیه-دیگران آن را بگویند و بنویسند و ثبت و ضبط کنند تا به دل و قلب نداشته‌ی ماها برسد و ماها نسبت به آن کاری بکنیم یا کاری را نکنیم. یا به زبان نادر ابراهیمی میتوان گفت کسی که مرده است دیگر مرگ را حس نمی‌کند به این دلیل واضح و خاص، که: مرده است.

اعزام ۵۰۹۲ زائر گلستانی به حج تمتع



کشور، مدیریت این هتل‌ها به استان ما واگذار شده و ۲۹ کاروان از مجموع ۳۳ کاروان استان، در این هتل‌ها اسکان خواهند یافت. ملاحظه از اعزام ۴۲ نفر از کارگزاران استان گلستان برای خدمت‌رسانی به زائران در این هتل‌ها خبر داد و گفت: این افراد از نیروهای آموزش‌دیده و با تجربه هستند که با هدف تسهیل امور اسکان و رفاه زائران، در مکه مستقر خواهند شد. وی همچنین به آموزش‌های پیش از سفر زائران اشاره کرد و افزود: تمامی زائران گلستانی پیش از عزیمت به سرزمین وحی، در دوره‌های آموزشی ۱۲ جلسه‌ای شرکت می‌کنند که در این دوره‌ها با احکام، مناسک حج و فرآیند اجرایی عملیات حج به‌طور کامل آشنا می‌شوند. جانشین مدیریت حج و زیارت گلستان در پایان تأکید کرد: تمام تلاش مجموعه حج و زیارت استان بر این است که حجاج گلستانی در نهایت آرامش، امنیت و سلامت سفر معنوی خود را به جا آورند.

جانشین مدیریت حج و زیارت گلستان از اعزام پنج هزار و ۹۲ زائر و عوامل اجرایی استان به سرزمین وحی در قالب ۳۲ کاروان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، محمدرحیم ملاح اظهار کرد: امسال پنج هزار و ۹۲ زائر و عوامل اجرایی از این استان در قالب ۳۲ کاروان به حج تمتع ۱۴۰۴ اعزام خواهند شد. اعزام کاروان‌ها از تاریخ اول تا ششم خردادماه انجام می‌گیرد و زائران به مقصد مکه مکرمه و مدینه منوره سفر خواهند کرد. ملاح با اشاره به خدمات درمانی و بهداشتی ویژه زائران افزود: در این دوره، ۱۰ پزشک از استان گلستان وظیفه ارائه خدمات پزشکی و بهداشتی به حجاج را بر عهده دارند و از قبل تمامی تمهیدات برای تأمین سلامت زائران پیش‌بینی شده است. وی همچنین از واگذاری مدیریت سه هتل در شهر مکه به کارگزاران حج و زیارت گلستان خبر داد و گفت: طبق هماهنگی‌های صورت‌گرفته با سازمان حج و زیارت

«آگهی ثبتی»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۱۲۰۰۱۰۰۸۱۴ تقاضای آقای احمد جلالی به شماره شناسنامه ۳۴۸۳ و کد ملی ۱۲۰۹۲۷۶۶۴ صادره از گرگان فرزند ابراهیم در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۶۳۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۰- اصلی واقع در بخش چهارم حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ جواد پورمند-کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۳۵۹۲

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۱۲۰۰۱۰۰۱۵۶۳ تقاضای آقای علی سعدالهی به شماره شناسنامه ۸ و کد ملی ۲۱۲۲۳۷۱۷۶۵ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۱۷۲۱۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۹۱- اصلی واقع در اراضی نودیجه بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ جواد پورمند-کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۳۸۱۶

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۱۲۰۰۱۰۰۱۵۶۳ تقاضای آقای علی سعدالهی به شماره شناسنامه ۸ و کد ملی ۲۱۲۲۳۷۱۷۶۵ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۳۹۴۵۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۹۱- اصلی واقع در اراضی نودیجه بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ جواد پورمند-کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۳۸۳۱

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۳۱۲۰۰۸۰۷۷۱۶ تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۱۲۰۰۸۰۰۱۷۳ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی حسین اوق فرزند امانگلدی به شماره شناسنامه ۲۹ کدملی

۱۴۰۳۰۳۱۲۰۰۸۰۷۷۱۶ صادره آق قلا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۵۰۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳۴ فرعی از ۱۱- اصلی واقع در آق قلا- اراضی روستای آق زبیر- بخش ۱۳- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی قرباندری اوتق و سند قطعی غیرمقول به شماره ۴۳۱۴۴ مورخه ۱۳۹۹.۰۲.۰۶ دفتر ۱۹ آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۲.۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴.۰۲.۲۳ مهناز جهانفر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۲۳۳

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۹۸۱.۵۹ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۲۰۴- فرعی از ۱۵- اصلی واقع در اراضی خبوه لی بخش ۱۲- ثبت آق قلا ملکی آقای مهدی عطاری فرزند عباسعلی باسناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۳.۱۰ در محل وقوع ملک واقع در اراضی خبوه لی به عمل خواهد آمد. (چنانچه روز تحدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت محترم تعطیل رسمی اعلام گردید عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد شد). از این رو چنانچه مجاری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۲.۱۶ مهناز جهانفر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۲۳۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۴۸۶.۵۴ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۲۰۳- فرعی از ۱۵- اصلی واقع در اراضی خبوه لی بخش ۱۲- ثبت آق قلا ملکی آقای مهدی عطاری فرزند عباسعلی باسناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۳.۱۰ در محل وقوع ملک واقع در اراضی خبوه لی به عمل خواهد آمد. (چنانچه روز تحدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت محترم تعطیل رسمی اعلام گردید عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد شد). از این رو چنانچه مجاری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۲.۱۶ مهناز جهانفر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۲۳۸

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۳۰۷.۷۹ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۲۰۲ فرعی از ۱۵- اصلی واقع در اراضی خبوه لی بخش ۱۲- ثبت آق قلا ملکی آقای مهدی عطاری فرزند عباسعلی باسناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۳.۱۰ در محل وقوع ملک واقع در اراضی خبوه لی به عمل خواهد آمد. (چنانچه روز تحدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت محترم تعطیل رسمی اعلام گردید عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد شد). از این رو چنانچه مجاری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر

این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۲.۱۶ مهناز جهانفر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۲۳۷

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۷۳۹.۴۱ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۲۰۶ فرعی از ۱۵- اصلی واقع در اراضی خبوه لی بخش ۱۲- ثبت آق قلا ملکی آقای مهدی عطاری فرزند عباسعلی باسناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در ساعت ۱۲:۰۰ ظهر روز شنبه مورخ ۱۴۰۴.۰۳.۱۰ در محل وقوع ملک واقع در اراضی خبوه لی به عمل خواهد آمد. (چنانچه روز تحدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت محترم تعطیل رسمی اعلام گردید عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد شد). از این رو چنانچه مجاری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۲.۱۶ مهناز جهانفر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۲۴۱

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۹۴۸۹.۰۵ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۲۰۵ فرعی از ۱۵- اصلی واقع در اراضی خبوه لی بخش ۱۲- ثبت آق قلا ملکی آقای مهدی عطاری فرزند عباسعلی باسناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در ساعت ۱۱:۳۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۴.۰۳.۱۰ در محل وقوع ملک واقع در اراضی خبوه لی به عمل خواهد آمد. (چنانچه روز تحدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت محترم تعطیل رسمی اعلام گردید عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد شد). از این رو چنانچه مجاری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۲.۱۶ مهناز جهانفر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۲۴۰

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۳۱۲۰۰۸۰۰۰۸۱۰ تاریخ ۱۴۰۴.۰۲.۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۱۲۰۰۸۰۰۰۲۰۶ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محسن صداقت فرزند حاجی محمد به شماره شناسنامه و کدملی ۶۲۸۰۱۲۱۳۵۶ صادره کمیسیون در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۱۴۰۳.۹۷ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲۱۸ فرعی از ۵- اصلی واقع در آق قلا- اراضی قریه گرجی وال- بخش ۱۲- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا سهمی مالک رسمی بهار ایقانی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۲.۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴.۰۲.۲۳ مهناز جهانفر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۲۱۴

همه آنچه که باید درباره رژیم میوه خواری بدانید

آیا رژیم میوه خواری انتخاب سالمی برای شماست؟

توصیه‌های استاندارد می‌گویند شما باید هر روز از انواع میوه و سبزی، چربی‌های سالم، غلات و پروتئین و لبنیات استفاده کنید تا یک رژیم غذایی سالم و متعادل داشته باشید. رژیم میوه‌خواری شامل خیلی از این موارد توصیه شده نمی‌شود و نمی‌تواند همه نیازهای بدن را به‌خوبی تأمین کند. از طرفی با درپیش گرفتن این رژیم ممکن است هوستان برای دیگر غذاها بیشتر شود و دچار پرخوری شوید. همیشه خوب است پیش از شروع یک برنامه غذایی جدید با پزشک یا متخصص تغذیه مشورت کنید.

یادتان باشد

هر رژیم غذایی چه بلندمدت و یا کوتاه‌مدت لزوماً برای همه افراد مناسب نیست و خیلی از این برنامه‌ها واقعاً مفید نیستند، خصوصاً در بلندمدت. شما باید شیوه‌ای از تغذیه را در پیش بگیرید که متناسب با شرایط و نیازهای خاص شماست. سلامت فقط به تغذیه مربوط نیست؛ ورزش منظم، خواب و استراحت کافی و دیگر فاکتورها در سبک زندگی نیز نقش مهمی در سلامت شما دارند. بهترین رژیم غذایی همیشه آنی است که متعادل و متناسب با سبک زندگی شما باشد.

در پایان

راه‌های زیادی برای تغییرات در رژیم میوه‌خواری وجود دارد که می‌تواند این الگوی غذایی را سالم‌تر کند. مثلاً شما می‌توانید یک رژیم غذایی بر پایه میوه داشته باشید و همچنان از دیگر گروه‌های غذایی مانند پروتئین و غلات نیز استفاده کنید.



هر رژیم غذایی چه بلندمدت و یا کوتاه‌مدت لزوماً برای همه افراد مناسب نیست و خیلی از این برنامه‌ها واقعاً مفید نیستند، خصوصاً در بلندمدت. شما باید شیوه‌ای از تغذیه را در پیش بگیرید که متناسب با شرایط و نیازهای خاص شماست. به گزارش ایرنا زندگی، در دنیای پرتلاطم رژیم‌های غذایی، رژیم میوه‌خواری به عنوان یک رویکرد تغذیه‌ای خاص، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این رژیم که بر پایه مصرف غالب میوه‌ها استوار است، وعده‌هایی از جمله سم‌زدایی، کاهش وزن و افزایش انرژی را ارائه می‌دهد. با این حال، پیش از آنکه به طور کامل در این مسیر قدم بگذارید، ضروری است که با آگاهی کامل از جوانب مثبت و منفی آن، تصمیم‌گیری کنید. همواره به یاد داشته باشید که هیچ رژیم غذایی، چه بلندمدت و چه کوتاه‌مدت، لزوماً برای همه افراد مناسب نیست و بسیاری از این برنامه‌ها، به خصوص در بلندمدت، ممکن است نتایج مطلوبی نداشته باشند. انتخاب شیوه تغذیه مناسب، وابسته به شرایط و نیازهای خاص هر فرد است. بنابراین، در این راهنما، تلاش خواهیم کرد تا با بررسی دقیق رژیم میوه‌خواری، اطلاعات جامعی را در اختیار شما قرار دهیم تا بتوانید با دیدی باز و آگاهانه، تصمیمی متناسب با شرایط فردی خود اتخاذ کنید. این را بدانید که سلامت فقط به تغذیه مربوط نیست؛ ورزش منظم، خواب و استراحت کافی و دیگر فاکتورها در سبک زندگی نیز نقش مهمی در سلامت شما دارند.

در رژیم میوه‌خواری چه می‌توانید بخورید؟

در این رژیم فرد باید حداقل نیمی از کالری‌های

خود را از میوه‌های خام مثل موز، انگور، سیب و توت دریافت کند. معمولاً ۲۵ تا ۵۰ درصد از کالری باقیمانده از سبزیجات، مغزها و دانه‌ها و غلات کامل گرفته می‌شود. اما رژیم‌های سخت‌تر میوه‌خواری شامل ۹۰ درصد میوه و تنها ۱۰ درصد مغزها و دانه‌ها می‌شوند.

در رژیم میوه‌خواری معمولاً از این هفت گروه استفاده می‌شود

میوه‌های اسیدی: مرکبات و آناناس
میوه‌های کم اسیدی: توت و انجیر
میوه‌های شیرین: موز و انگور و ملون
میوه‌های چرب: نارگیل و زیتون
میوه‌های سبزیجاتی: فلفل دلمه‌ای، گوجه‌فرنگی، خیار و کدوسبز
مغزها: گردو، پسته، بادام درختی، بادام‌هندی و فندق
دانه‌ها: تخم آفتاب‌گردان و تخم کدو

در رژیم میوه‌خواری چه نباید بخورید؟

پروتئین حیوانی: مانند تخم مرغ، مرغ، بوقلمون و گوشت
لبنیات: شیر و ماست و پنیر و دیگر فرآورده‌های لبنی
غلات و فرآورده‌های آن: مثل جوانه گندم و ماش
نشاسته: انواع سیب‌زمینی
بشنش و حبوبات و غذاهای فراوری شده.

مزایای رژیم میوه‌خواری

یکی از مزایای رژیم میوه‌خواری این است که هر وقت میل داشتید و دلتان خواست می‌توانید میوه بخورید. هیچ قانون سخت و خاصی در مورد میزان خوردن شما وجود ندارد و شما آزادید از سیگنال‌های گرسنگی و اشتهای خود پیروی کنید.

دیگر فواید:

دریافت انواع ویتامین‌ها و املاح و آنتی‌اکسیدان‌ها
کمک به آب‌رسانی بدن
مناسب برای سیرشدن و کاهش وزن

معایب رژیم میوه‌خواری

احتمال کمبود مواد مغذی مهم: مانند پروتئین، چربی، کلسیم، ویتامین‌های گروه B و در نتیجه آمی، خستگی و بی‌حالی، اختلالات ایمنی و پوکی‌استخوان
احتمال ابتلا به عوارض و مشکلاتی در سلامتی خصوصاً در مبتلایان به دیابت یا پیش‌دیابت (به دلیل افزایش قندخون و اثر بر حساسیت به انسولین) و مبتلایان به اختلالات پانکراس یا کلیه و ایجاد کتواسیدوز
محدود و خسته‌کننده بودن
احتمال پوسیدگی دندان

نبود قانون مانع پیشرفت روستاهاست

کردیم تا خدمات سریع‌تر به مردم برسد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان نیز در این نشست از رشد چشمگیر منابع مالی و تجهیزاتی دهیاری‌ها و شهرداری‌های استان طی سال گذشته خبر داد و اظهار کرد: سال گذشته هزار و ۱۱۶ میلیارد تومان از محل اعتبارات سازمان شهرداری‌ها و امور مالیاتی کشور به حساب دهیاری‌های استان واریز شده که این عدد در مقایسه با سال ماقبل، رشدی دو برابری داشته است. سیدمهدی مهبیایی با اشاره به جهش بی‌سابقه در حوزه ناوگان خدماتی دهیاری‌ها افزود: در سال ۱۴۰۲ فقط ۱۰ خودروی کمپرسی به دهیاری‌های استان واگذار شد اما این میزان در سال گذشته با رشدی هزار درصدی به ۱۰۳ دستگاه افزایش یافته است. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان همچنین به اقدامات انجام‌شده در حوزه زیرساخت‌های روستایی اشاره کرد و توضیح داد: در حوزه راه‌های روستایی، ۴۰۰ روستا از میان هزار روستای استان آسفالت شدند. همچنین در زمینه مسکن روستایی و مقاوم‌سازی، عملکرد استان گلستان از متوسط کشوری بالاتر بوده و در برخی شاخص‌ها حائز رتبه‌های اول و دوم کشور هستیم. مهبیایی در ادامه با بیان اینکه اعتبارات شهرداری‌های استان نیز روندی صعودی داشته، افزود: بودجه شهرداری‌ها در سال ۱۴۰۲ معادل سه هزار و ۸۹۰ میلیارد تومان بود که این میزان در سال گذشته با رشد ۵۰ درصدی به پنج هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان رسید. وی از افزایش تخصیص قیر رایگان نیز خبر داد و گفت: در سال گذشته، ۱۶ هزار تن قیر رایگان به شهرداری‌های استان اختصاص یافت در حالی‌که این رقم در سال ۱۴۰۲، ۱۱ هزار تن بود که نشان‌دهنده رشد ملموس در حمایت از پروژه‌های عمرانی است.



اشاره به وضعیت روستاهای کشور بیان کرد: در حال حاضر، سه هزار و ۴۰۰ روستای دارای کمتر از ۱۰۰ نفر جمعیت در کشور، دهیاری دارند که جمعیت هر کدام کمتر از ۱۰۰ نفر است که این مساله نشانه حمایت از توسعه و پایداری خدمات‌رسانی به این مناطق در جمهوری اسلامی است. قربانی گفت: بودجه اختصاص‌یافته به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در سال جاری به ۲۰۵ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به سال گذشته جهش قابل توجهی داشته است. همچنین برای استان گلستان هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال تسهیلات ارزان‌قیمت مصوب شده است. وی با اشاره به اهمیت تسهیل‌گری و کاهش بروکراسی در خدمات‌رسانی به روستاها یادآور شد: ما بروکراسی اداری را در مسیر دهیاری‌ها کوتاه

معاون امور دهیاری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با انتقاد از تاخیر در تصویب قانون جامع مدیریت روستایی گفت: با وجود تلاش‌های مستمر، این قانون هنوز به نتیجه نرسیده و نبود آن، مانعی بزرگ در مسیر تحقق مدیریت منسجم و توسعه‌محور روستاها است. به گزارش روابط عمومی، علی قربانی در همایش بزرگداشت شوراهای اسلامی شهر و روستاهای استان گلستان با اشاره به جایگاه مهم شوراهای در ساختار مدیریتی کشور، اصلی‌ترین وظیفه شوراهای را نظارت دانست. وی با تأکید بر اینکه بودجه شوراهای شهر و روستا باید مستقل باشد، افزود: این اعتبارات نباید در اختیار شهرداران یا دهیاران باشد. این موضوع باید از سوی شورای عالی استان‌ها با ارائه لایحه‌ای در مجلس شورای اسلامی پیگیری شود. معاون امور دهیاری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها بیان کرد: در حوزه تجهیز دهیاری‌ها، اقدامات موثری انجام شده به‌طوری‌که در سال گذشته ۱۳۰ دستگاه ماشین‌آلات به دهیاری‌های استان گلستان تحویل داده شد. قربانی گفت: از سال جاری، ۰.۲ درصد از مالیات بر ارزش افزوده به آموزش شوراهای اسلامی شهر و روستا اختصاص می‌یابد که این بودجه برای ارتقای دانش و مهارت‌های بیش از ۱۶۷ هزار عضو شورای روستایی و حدود ۴۰ هزار دهیار در سراسر کشور خواهد شد. وی افزود: از سال ۱۳۸۳ که دهیاری‌ها شکل گرفتند تا سال ۱۴۰۱، مبلغی بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد ریال به این نهادها اختصاص داده شد اما فقط در سال ۱۴۰۳ همین میزان بودجه برای حمایت از دهیاری‌ها پیش‌بینی شده که این اتفاق، از افتخارات و برکات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. معاون امور دهیاری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با

آموزش مدیریت مالی به نوجوانان

می‌شود، حتی اگر خودش توان مالی‌اش را نداشته باشد. رقابت پنهان در سبک زندگی، تأثیری عمیق بر تصمیمات مالی نوجوانان دارد. آن‌ها اغلب برای حفظ ظاهر یا فرار از قضاوت دوستان‌شان، تن به خریدهایی می‌دهند که با واقعیت مالی‌شان سازگار نیست. به گفته دکتر جن تونگ، نویسنده کتاب «نسل من»، افزایش افسردگی و اضطراب در نوجوانان، بی‌ارتباط با فشارهای مالی و اجتماعی نیست. بنابراین باید فرهنگ مقایسه‌نکردن و پذیرش تفاوت‌ها را از سنین پایین آموزش داد. همچنین معرفی الگوهای موفق که با پس‌انداز و مدیریت درست مالی به اهدافشان رسیده‌اند، می‌تواند الهام‌بخش باشد. نوجوانی که ببیند با کنترل خرج، می‌شود به سفر رفت یا چیزی خرید که دوست دارد، به تدریج نگاهش به پول تغییر می‌کند.

نوجوانی، فصل بی‌خیالی یا نقطه شروع مسئولیت؟

نوجوان، بیشتر از آینده، در لحظه زندگی می‌کند. برنامه‌ریزی بلندمدت برای خیلی از آن‌ها نه جذاب است و نه ملموس. اینکه چرا باید امروز خرج نکنم تا ماه بعد چیزی بخرم، برای نوجوانی که هنوز درآمدی ندارد یا فشار مالی را لمس نکرده، مفهومی گنگ است. تحقیقات انجمن روانشناسی آمریکا نشان می‌دهد نوجوانان به‌طور طبیعی درک ضعیف‌تری از تأثیر تصمیمات امروز بر آینده دارند؛ بنابراین در آموزش مالی، باید از ابزارهای ملموس‌تر و قابل تجربه استفاده کرد. به نوجوان فرصت تجربه بدهیم. مثلاً پروژه‌ای طراحی کنیم که او برای خرید وسیله‌ای خاص، در یک بازه زمانی مشخص پس‌انداز کند. یا با ایجاد بازی‌های تعاملی، نشان بدهیم که تصمیم‌های مالی امروز چه پیامدی در آینده دارند. این آموزش‌ها وقتی در قالب تجربه و بازی باشد، اثربخشی بیشتری دارد.

مسئولیت مالی را باید ساخت

نوجوان امروز در دنیایی بزرگ می‌شود که مفاهیم مالی از همیشه پیچیده‌تر شده‌اند. کارت بانکی دارد، خرید اینترنتی بلد است، اما هنوز نمی‌داند «ارزش پول» یعنی چه. این شکاف را نه صرفاً با نصیحت، بلکه با آموزش هدفمند، تجربه‌محور و گفت‌وگویی صادقانه می‌توان پر کرد. مسئولیت مالی، مهارتی است که باید از خانه و مدرسه شروع شود و با فضای مجازی و جامعه هماهنگ باشد. اگر می‌خواهیم نوجوانان مسئولیت‌پذیرتر باشند، باید ابتدا دنیای اطراف‌شان را برای پذیرش این مسئولیت آماده کنیم.



پس‌انداز یا اولویت‌بندی را به حاشیه می‌برند. در این فضا، نوجوانان با تصاویری از زندگی‌های لاکچری و خریدهای بی‌وقفه روبرو هستند که تأثیرات روانی آن‌ها را به سمت رقابت‌های اجتماعی و مصرف‌بی‌رویه هدایت می‌کند. این رویکرد، به‌جای آموزش مفاهیم بنیادی مانند ارزش پول، مدیریت هزینه و ایجاد اولویت‌های مالی، تنها به تقویت فرهنگ مصرف‌گرایی و ولخرجی می‌پردازد. نوجوانان در معرض یک مدل زندگی قرار می‌گیرند که در آن داشتن جدیدترین گجت‌ها و لباس‌ها یک معیار از موفقیت و خوشبختی است. در حالی که این تصورات نه تنها واقعیت ندارند بلکه آن‌ها را از مسائل مهم‌تر زندگی مانند پس‌انداز، برنامه‌ریزی مالی و مدیریت مالی در آینده دور می‌کند. برای کمک به نوجوانان در دوری از فضای مجازی و تبلیغات مصرفی، می‌توان شرایط یادگیری یک مهارت جدید را برای آن‌ها ایجاد کرد. به عنوان مثال، می‌توان شرایط یادگیری یک مهارت جدید مانند برنامه‌نویسی ساده، نقاشی دیجیتال، یا ساخت محصولات دستی را برایشان ایجاد کرد. این فعالیت‌ها می‌توانند به‌طور غیرمستقیم، به آن‌ها مسئولیت‌پذیری مالی را آموزش دهند، چرا که برای این مهارت‌ها به تمرین، زمان و برنامه‌ریزی نیاز است.

رقابتی که جیب‌ها را خالی می‌کند

یکی از پرتنگ‌ترین دلایل رفتارهای مالی ناسالم در نوجوانان، مقایسه دائمی با دیگران است. نوجوانی که می‌بیند دوستش گوشی گران‌قیمت دارد یا هر هفته خرید می‌رود، ناخودآگاه به سمت ولخرجی کشیده

نسلی تربیت می‌شود که از کودکی با «پول نپرس»، «الان وقتش نیست» و «بزرگ شدی خودت می‌فهمی» رشد کرده است. پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که گفت‌وگوی صادقانه خانواده‌ها درباره مسائل مالی، نقش کلیدی در شکل‌گیری نگرش مسئولانه در فرزندان دارد. اگر بچه‌ها ندانند هزینه آب و برق چقدر است، یا ندانند چرا پدر و مادر برای فلان خرید دست نگه داشته‌اند، هرگز یاد نمی‌گیرند که پول، منبعی محدود است که نیاز به برنامه‌ریزی دارد. البته این به معنای در جریان قرار دادن نوجوانان از تمام مسائل مالی خانواده نیست بلکه به شکل محدود و والدین باید یاد بگیرند چطور مدیریت مالی خود را به شکل عملی و قابل فهم به بچه‌ها منتقل کنند؛ مثلاً هنگام خرید، نوجوان را در تصمیم‌گیری شریک کنند یا برای خرجی ماهانه، با هم بودجه‌بندی کنند.

فضای مجازی مروج مصرف لحظه‌ای

امروزه اگر نوجوانی بخواهد بداند که با ۱ میلیون تومان چه خریدهایی می‌تواند انجام دهد، احتمالاً این اطلاعات را از شبکه‌های اجتماعی مختلف به دست می‌آورد، نه از والدین یا مدرسه. تبلیغات در فضای مجازی با الگوریتم‌های پیچیده‌ای که دقیقاً می‌دانند مخاطب چه چیزی را دوست دارد، به سرعت نیازهای کاذب و خواسته‌های لحظه‌ای را در ذهن نوجوانان ایجاد می‌کنند. این تبلیغات غالباً بر خریدهای آنی، مصرف‌گرایی و ملذذهای جدید تمرکز دارند و مفاهیمی مانند صبر،

نوجوان امروز در دنیایی با مفاهیم مالی پیچیده بزرگ می‌شود، کارت بانکی دارد و خرید اینترنتی می‌کند، اما اغلب ارزش پول را نمی‌داند. این شکاف را با آموزش هدفمند، تجربه‌محور و گفت‌وگوی صادقانه می‌توان پر کرد. مسئولیت مالی باید از خانه و مدرسه شروع شود و با فضای مجازی و جامعه هماهنگ باشد. برای تربیت نوجوانان مسئولیت‌پذیر، باید ابتدا دنیای اطراف‌شان را برای پذیرش این مسئولیت آماده کنیم. به گزارش ایرنا زندگی، امروزه نوجوانان با کارت بانکی و خرید آنلاین بزرگ می‌شوند، اما پول برایشان فقط یک لحظه خرج کردن است، نه یک امکان برای مدیریت و یادگیری؛ اما چه چیزی این نسل را از درک ارزش پول دور نگه داشته است؟ در دنیایی که هر روز تصمیمات مالی پیچیده‌تر می‌شود، خیلی از نوجوانان با پول و نحوه کارکرد آن بیگانه‌اند و آن را چندان جدی نمی‌گیرند. این در حالیست که نوجوانان، شبانه روز با ابزارهایی مثل کارت بانکی، خرید اینترنتی و تبلیغات بی‌پایان مواجه‌اند، اما صحبت از مدیریت پول که می‌شود، جدی نمی‌گیرند و تصور می‌کنند برای فکر کردن به آن زود است. اما چه عواملی در شکل‌گیری این بی‌تفاوتی نقش دارد؟

جا ماندن سواد مالی از کلاس درس

در حالیکه در بسیاری از کشورها، مانند ژاپن، سوئد یا حتی امارات، آموزش سواد مالی از سال‌های ابتدایی در برنامه درسی گنجانده شده است، جای خالی آموزش مالی در نظام آموزشی ما به شدت محسوس است. در واقع مدرسه به عنوان منبع رسمی یادگیری نوجوانان، نه آموزش «مدیریت پول» در آن جایی دارد، نه فعالیتی برای بودجه‌بندی، نه حتی تمرین ساده‌ای برای شناخت درآمد و هزینه. نتیجه؟ ورود یک جوان به دانشگاه و بازار کار، که پس از ۱۲ سال تحصیل هنوز نمی‌داند چطور باید برای یک هدف مالی برنامه‌ریزی کند! در این راستا، ریاضی به عنوان یکی از پرتنگ‌ترین دروس آموزشی مدارس، سال‌هاست که نتوانسته نحوه پس‌انداز کردن و دیگر مسائل مالی را برای کودک و نوجوان عینی‌سازی کند و همین مسئله باعث شده که دانش‌آموز با دنیایی از فرمول‌ها اما بدون درک واقعی از پول، وارد بزرگسالی شود.

خانه بستر جبران خلاها

اما واقعیت این است که هر چقدر هم مدرسه در آموزش مالی کوتاهی کند، خانواده به شکل‌های مختلف می‌تواند این خلا را پر کند. بسیاری از والدین یا خودشان سواد مالی ندارند، یا تصور می‌کنند پول، موضوعی است که نباید با بچه‌ها درباره‌اش حرف زد و در نتیجه

افزایش ظرفیت حمل غلات تا ۶۰۰ هزار تن

سرعت جابه‌جایی بار و مسافر را به‌طور چشمگیری افزایش خواهد داد. استان گلستان، به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی تولید غلات کشور، از ظرفیت بالایی برای بهره‌مندی از این زیرساخت‌های ریلی برخوردار است. ذاکری در این باره تأکید کرد: در سال گذشته، حدود ۲۰۰ هزار تن غلات از خطوط ریلی گلستان جابه‌جا شد و ما آمادگی داریم این ظرفیت را تا ۶۰۰ هزار تن ارتقا دهیم. این تحولات نشان‌دهنده عزم جدی راه‌آهن ایران برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های استراتژیک گلستان و تبدیل کریدور ریلی شرقی به یکی از مهم‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی است که با تکمیل پروژه‌های زیرساختی و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای، ایران در آستانه تبدیل شدن به قلب تپنده تجارت ریلی آسیای میانه قرار دارد. توسعه کریدور ریلی شرقی با محوریت اینچه‌برون، نه تنها گامی در برای تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل ایران است، بلکه فرصتی استراتژیک برای تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای آسیای میانه به‌شمار می‌رود. افزایش ظرفیت حمل بار به سه میلیون تن و ارتقای جابه‌جایی غلات گلستان تا ۶۰۰ هزار تن، نشان‌دهنده پتانسیل بالای این منطقه در تبدیل شدن به هاب لجستیکی منطقه است و این اقدامات، با تکمیل بازسازی خطوط ریلی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، ایران را در مسیر تبدیل به یک قدرت ترانزیتی منطقه‌ای قرار خواهد داد.

کشور، زمینه‌ساز تحولی بزرگ در حمل‌ونقل و تجارت منطقه‌ای شده و در همین راستا، راه‌آهن ایران با برنامه‌ریزی‌های بلندپروازانه، گام‌های محکمی برای تبدیل این منطقه به شاه‌راه ریلی کشورهای CIS برداشته است. در گامی بلند برای تقویت جایگاه ایران به‌عنوان محور لجستیکی منطقه، مدیرعامل راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، از برنامه‌ریزی برای جابه‌جایی سه میلیون تن بار در کریدور ریلی شرق دریای خزر طی سال جاری خبر داد و گفت: این کریدور که از خط ریلی اینچه‌برون در استان گلستان آغاز می‌شود، به‌عنوان شاه‌راه ارتباطی ایران با کشورهای آسیای میانه (CIS) از جمله روسیه، بلاروس، ترکمنستان و قزاقستان، نقشی محوری در توسعه تجارت منطقه‌ای ایفا می‌کند. به گزارش روابط عمومی راه‌آهن گلستان، جبارعلی ذاکری در جریان بازدید از پروژه احداث پل ریلی قره‌سو در گلستان، با اشاره به موقعیت منحصر به فرد خط ریلی اینچه‌برون، اظهار کرد: این محور ریلی، دروازه‌ای برای دسترسی کشورهای همسایه به آب‌های آزاد از طریق خاک ایران است و ما مصمم هستیم با افزایش ظرفیت حمل بار در این کریدور، نقش ایران را به‌عنوان هاب لجستیکی منطقه تثبیت کنیم. وی همچنین از پیشرفت‌های زیرساختی در این محور خبر داد و افزود: یکی از دو بلاک خطوط ریلی غرب گلستان بازسازی شده و بازسازی بلاک دوم نیز به‌زودی تکمیل می‌شود. که این اقدامات،

استان گلستان، با موقعیت استراتژیک خود در همسایگی ترکمنستان و نزدیکی به آسیای میانه، به‌عنوان دروازه‌ای طلایی برای توسعه تجارت ریلی ایران شناخته می‌شود و خطوط ریلی اینچه‌برون علاوه بر اتصال ایران به بازارهای منطقه‌ای و دسترسی به آب‌های آزاد، فرصتی بی‌ظنیر برای کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه را نیز فراهم می‌کند. به گزارش روابط عمومی، این ظرفیت عظیم ریلی، همراه با پتانسیل‌های کشاورزی گلستان به‌عنوان قطب غلات